

رسالة محمد

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علوم سیاسی

گرایش روابط بین الملل

سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ سرد در برابر شورای امنیت

(تاکید موردی تحریم های ایران)

از:

زهرا کشاورزی

استاد راهنما:

دکتر رضا سیمبر

استاد مشاور:

دکتر احمد جانسیز

پاس خدای راکه سخوران، دستودن او بماند و شمارندگان، شمدون نعمت های اوندانند و کوشندگان، حق او را کزاردن نتوانند. و سلام و دورد بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان و لدار وجودشان است.

باتقدیر و شکرشایسته از استاد فریخته جناب آقای دکتر رضا سیمبر که با نکته های دلاویز و گفته های بلند همواره راهبنا و راه گشای نگارنده در اتمام و اكمال پیمان نامه بوده است.

از استاد با کمالت و شایسته؛ جناب آقای دکتر احمد جانسیر که در کمال سه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از پنج گلی در این عرصه بر من دریغ ننمودند و زحمت مشاوره این رساله را بر عهده گرفتند.

پاس بیکران بر مهدی و برای و بهکامی پدر و مادر دلوسوز و مهربانم که سجده های ایشان کل محبت را در وجودم پروراند و دلمان گهر بارش بخت های مهربانی را به من آموخت.

قدر دانی از برای و بهکامی تمام اعضای خانواده خویم که با حمایت های همه جانبه همواره دگر می و آراش خاطر م بودند.

تقدیم به

مقدس ترین واژه مادر لغت نامه دلم

پدرم عزیزم که کوهی استوار و حامی من در تمام طول زندگیم

و مادر مهربانم که زندگیم را دیون مهر و عطفوت ایشان می دانم.

و برادرم سعید که همراه همیشگیم و پشتوانه زندگیم در تمام مراحل تحصیل بوده است.

و همسرم که میج و ارباب صبرش در تمام بحظات رفیق راهم بوده است.

خواهران و برادرانم که دلسوزانه مراجعت نمودند.

حال این تحفه برک سبزی است تحفه درویش...

## فهرست مطالب

### فصل اول: کلیات تحقیق

- ۱-۱- مقدمه ..... ۱
- ۲-۱- تبیین مسئله ..... ۳
- ۳-۱- پیشینه تحقیق ..... ۳
- ۴-۱- اهمیت و اهداف پژوهش ..... ۶
- ۵-۱- سوالات پژوهش ..... ۷
- ۶-۱- فرضیات پژوهش ..... ۷
- ۷-۱- روش پژوهش ..... ۸
- ۸-۱- واژگان و اصطلاحات کلیدی ..... ۸
- ۹-۱- محدودیت های پژوهش ..... ۱۰
- ۱۰-۱- سازماندهی پژوهش ..... ۱۱

### فصل دوم: تاریخچه روابط آمریکا و شورای امنیت پس از جنگ سرد

- ۱-۲- مقدمه ..... ۱۳
- ۲-۲- چارچوب نظری ..... ۱۴
- ۳-۲- تاریخچه روابط آمریکا و شورای امنیت پس از جنگ سرد ..... ۱۸
- ۴-۲- نتیجه گیری ..... ۲۳

### فصل سوم: بحران های بین المللی

- ۱-۳- مقدمه ..... ۲۵
- ۲-۳- حمله عراق به کویت ..... ۲۶
- ۳-۳- حمله آمریکا به افغانستان ..... ۲۹
- ۴-۳- حمله آمریکا علیه عراق ..... ۳۱
- ۵-۳- لیبی ..... ۳۳
- ۶-۳- بحران کوزوو ..... ۳۵
- ۷-۳- بحران سومالی ..... ۳۷
- ۸-۳- بحران دارفور ..... ۴۰

- ۳-۹- بحران بوسنی ..... ۴۳
- ۳-۱۰- بحران هائیتی ..... ۴۶
- ۳-۱۱- رواندا ..... ۴۸
- ۳-۱۲- بحران یوگسلاوی ..... ۴۹
- ۳-۱۳- نتیجه گیری ..... ۵۱

چهارم: تحریم های ایران

- ۴-۱- مقدمه ..... ۵۳
- ۴-۲- تحریم های یکجانبه ایالات متحده علیه ایران پس از جنگ سرد ..... ۵۴
- ۴-۳- تحریم هسته ای ایران ..... ۶۴
- ۴-۴- نتیجه گیری ..... ۷۹

فصل پنجم: نتیجه گیری و منابع

- ۵-۱- نتیجه گیری ..... ۸۱
- ۵-۲- منابع و مواخذ ..... ۸۳
- ۵-۳- منابع فارسی ..... ۸۳
- ۵-۴- منابع خارجی ..... ۸۸

سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ سرد در برابر شورای امنیت (تاکید موردی بر تحریم های ایران)  
زهرا کشاورزی

استراتژی کلان آمریکا در هزاره سوم بسیار متفاوت با استراتژی این کشور در قرن بیستم می باشد. بنابراین، استراتژی کلان تدافعی محور که بازتاب جنگ سرد بود جای خود را به استراتژی کلان تهاجمی که متناسب با دوران هژمونی و عصر تک قطبی می باشد، داده است. شورای امنیت، به عنوان رکن اجرایی سازمان ملل متحد، در دوره زمانی پس از جنگ سرد به عنوان بازوی قدرتی آمریکا عمل می کند، در این راستا، آمریکا با همراه سازی شورای امنیت با خود، به کشورهایی که هم مقابله با آنها مشکل است و هم بازدارندگی به همراه دارند اجازه نخواهد داد که استیلای جهانی آن را با مخاطره روبرو سازند. ایران از دید آمریکا سیاست به چالش کشیدن رفتارهای دوگانه غرب و نظم حاکم جهانی را در پیش گرفته است و به دنبال تلاش برای دستیابی به فناوری هسته ای است. لذا، آمریکا تلاش می - نماید از راه تهدید و تحریم های یک جانبه و چند جانبه علیه ایران و نیز با تحت فشار قرار دادن شورای امنیت، در جهت هم سو شدن با اهداف خود، با چالش هایی که امنیت بین المللی و منافع ملی آن را با مخاطره روبرو ساخته است به مبارزه پردازد.

در این پژوهش، پس از ارائه تاریخچه ای از روابط آمریکا و شورای امنیت در دوران پس از جنگ سرد به بیان چارچوب تئوریک در قالب رئالیسم تهاجمی پرداخته می شود. و سپس بحران های متعددی که شورای امنیت و آمریکا پس از جنگ سرد در آن نقش ایفا کرده اند را مورد بررسی قرار می دهیم و در پایان تحریم های آمریکا و شورای امنیت علیه ایران مورد تحلیل قرار می گیرد.

**واژگان کلیدی:** سیاست خارجی آمریکا، پسا جنگ سرد، شورای امنیت، بحران های بین المللی، تحریم های ایران، پرونده هسته ای

فصل اول

کلیات تحقیق



## ۱-۱- مقدمه

آمریکا در دوران جنگ سرد به دلیل وضعیت دو قطبی حاکم بر عرصه نظام بین‌الملل، به رقابت با قطب دیگر یعنی شوروی می‌پرداخت به همین دلیل فضای حاکم بر روابط این دو کشور ایجاب می‌نمود که رفتارهای متناسب با آن را در روابط خود با یکدیگر برگزینند. ولی با تغییر در شرایط نظام بین‌الملل و از بین رفتن یکی از دو قطب یعنی شوروی، وضعیت یکسره تغییر نمود و وضعیت دو قطبی به دوران تک قطبی تغییر شکل داد و آمریکا به عنوان کشوری که جان سالم به دربرد به قدرت هژمونیک تبدیل گردید در این راستا، تلاش می‌نماید که با قدرتمند نمودن خویش در عرصه نظام بین‌المللی وضعیت تک قطبی را تحکیم ببخشد تا قدرت‌های دیگر نتوانند خود را جایگزین قدرت وی کنند.

سیاست خارجی آمریکا در دوران بعد از جنگ سرد با تغییرات الگویی و رفتاری همراه بوده‌است. تغییرات الگویی ناشی از دگرگونی در ساختار نظام بین‌الملل می‌باشد؛ در هر ساختار بین‌المللی شکل خاصی از تعامل بین بازیگران وجود دارد. در ساختار دو قطبی، آمریکا و اتحاد شوروی یکدیگر را در چارچوب « موازنه واقع گرایانه » کنترل می‌کردند. این الگو، رفتارهای خاص خود را به وجود می‌آورد. از جمله « رفتارهای الگویی » این دوران می‌توان به سیاست‌هایی از جمله: سد نفوذ، بازدارندگی، موازنه قدرت استراتژیک اشاره کرد. در دوران بعد از جنگ سرد، الگوهای رفتاری آمریکا با تغییر رو به رو شد. بخشی از این تغییرات، ناشی از دگرگونی ساختاری در نظام بین‌الملل است، یعنی اینکه چگونگی توزیع قدرت بین بازیگران با تغییرات فراگیر و گسترده‌ای همراه گردیده و از سوی دیگر، چگونگی تعامل و رفتار بازیگران مختلف، از جمله کنش ابتکاری آمریکا نیز تکامل می‌یابد. در روند جدید، شاهد خلق قالب‌های معنایی و همچنین قالب‌های ساختاری در رفتار سیاست خارجی آمریکا می‌باشیم. الگوهای جدید در این روند شکل گرفته‌است. از جمله این الگوها می‌توان از هژمونیک‌گرایی بین‌المللی، جنگ پیش‌دستانه، سیاست تغییر رژیم، دیپلماسی عمومی تهاجمی و همچنین گسترش نظامی‌گری در حوزه‌های پیرامونی، به ویژه خاورمیانه نام برد (مصلی نژاد، ۱۳۸۷: ۲۴).

در دوران ریاست جمهوری کلینتون سیاست مهار دوجانبه علیه دو کشور ایران و عراق اعمال شد. مارتین ایندیک معمار این سیاست در جریان اجلاس سالانه سورف در ۱۸ مه سال ۱۹۹۳ ریشه اصلی این سیاست را این گونه بیان کرد: « سیاست مهار دوجانبه کلینتون در وهله اول از تحلیل این موضوع که رژیم‌های فعلی ایران و عراق هر دو دشمن منافع آمریکا در منطقه هستند سر چشمه می‌گیرد ».

وی ایران را جدی‌ترین تهدید علیه منافع ملی آمریکا در منطقه معرفی کرد (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۵۰). همین وضعیت در دوره اول ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش از ژانویه ۲۰۰۱ نیز ادامه یافت و همچون گذشته ائتلاف میان جمهوری خواهان و دموکرات‌ها در کنگره برای محدود کردن ایران به منظور تن دادن به شرایط ایالات متحده و تغییر رفتار خود ادامه یافت (نوازانی، ۱۳۸۴: ۴۱۳).

سازمان ملل همچنان یکی از ارگان‌های نظم لیبرال محسوب می‌شود اما برخلاف دوران جنگ سرد، امروزه آمریکا از فرصت‌ها، امکانات و قدرت مانور وسیع‌تری برخوردار است که در صورتی که لازم تشخیص بدهد با استناد به اصل حاکمیت ملی به نادیده انگاشتن این نهاد پردازد. پس هر زمان آمریکا به این نتیجه برسد که توجه به سازمان ملل به نفع این کشور است محققاً شاهد تکیه بیشتر آمریکا به این سازمان خواهیم بود (دهشیار، ۱۳۸۸). در این راستا، پس از جنگ سرد به درگیر ساختن شورای امنیت در بحران‌های بین‌المللی که با منافع خود در ارتباط بود، پرداخت. قدرت و جایگاه ایالات متحده پس از فروپاشی شوروی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی به گونه‌ای است که هیچ یک از رقیبان را توان مقابله با آن نیست. حمله آمریکا به عراق نشان بارز این توانایی‌های امریکا بود که علی‌رغم عدم تأیید توسط شورای امنیت صورت گرفت. در واقع آمریکا با توجه به منافع و اهداف خود و اینکه سازمان ملل تا چه حد می‌تواند به عنوان ابزاری برای رسیدن به این اهداف باشد به سازمان ملل توجه می‌کند. این دیدگاه بعد از ورود نومحافظه کاران به کاخ سفید تقویت شد، بطوری که جرج بوش بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر با الهام از عقاید نو محافظه کاران مدعی شد که شورای امنیت در مواردی که منافع قدرت‌های بزرگ ایجاب می‌کند، نباید تأکید ویژه‌ای بر حفظ هنجارها و مقررات جهانی داشته باشد (ترابی، ۱۳۸۵).

ایران خود را به عنوان یک دولت مستقل که نسبت به آمریکا از رویکرد متفاوتی پیروی می‌کند و تابع قدرت آمریکا قرار نمی‌گیرد، معرفی می‌نماید. لذا، آمریکا نیز نسبت به بازیگرانی که تابع قدرت آن قرار نمی‌گیرند و به دنبال ایجاد چالش برای قدرت وی محسوب می‌شوند به مبارزه می‌پردازد. بنابراین، الگوی رفتاری این کشور نسبت به ایران تابع عوامل چالش‌سازی است که روابط دو کشور را به پایین‌ترین سطح کاهش داده است و آمریکا بسیار تلاش می‌نماید که با تحریم علیه ایران، این کشور را تسلیم خویش نماید.

در حقیقت تحریم‌ها علیه ایران با اعمال نفوذ آمریکا وارد مرحله کاملاً متفاوتی شد و پای قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل هم به اعمال تحریم‌های همه‌جانبه علیه ایران باز گردید (خبر گذاری فارس، ۱۳۸۷). جمهوری اسلامی ایران به دلیل پافشاری بر تداوم غنی‌سازی اورانیوم و ارجاع پرونده هسته‌ای آن به شورای امنیت سازمان ملل، با گزینه اعمال مجازات‌های بین‌المللی روبرو است. عامل و منشاء مجازات‌های بین‌المللی می‌تواند مصوبه شورای امنیت، دولت‌های قدرتمند یا نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای باشند. تصویب مجازات‌های بین‌المللی از

سوی شورای امنیت سازمان ملل در قالب فصل ۷ منشور صورت می‌گیرد ( یزدان فام، ۱۳۸۵: ۷۹۲). در واقع تلاش دولت آمریکا برای تصویب تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی ایران موجب شده است تا قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل به صورت مستقیم بر ضد ایران صادر شده است (زهرا نی، ۱۳۸۲). ولی جمهوری اسلامی ایران به تحریم‌های مورد نظر پاسخی نداده است و آنچنان که به نظر می‌رسد تحریم‌ها برای متقاعد کردن ایران به تغییر جهت در سیاست‌های خود، کارآمد نبوده است (Heeley, Sahay, 2013).

نویسنده تلاش دارد تا موضوع تاریخچه روابط آمریکا و شورای امنیت را پس از جنگ سرد از منظر متفاوتی به بحث بگذارد، بنابراین به بررسی بحرانهایی که هر دوی آنها در آن نقش داشته‌اند می‌پردازد و نشان خواهیم داد که آمریکا در این برهه زمانی برای حفظ منافع ملی و تاکید بر استراتژی تک قطبی خود درصدد ایفای نقشی فعال به همراهی شورای امنیت است و در این راستا، به صورت کلیدی بحث تحریم‌های آمریکا و این شورا را علیه جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## ۱-۲- تبیین مسئله

این پژوهش در صدد است که، به بررسی سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ سرد در برابر شورای امنیت بپردازد و تاکید اصلی خود را بر مسئله تحریم‌های ایران قرار دهد که در حال حاضر یکی از مهم ترین مشکلاتی است که کشور با آن روبرو است، که به دلیل استمرار طولانی مدت آن و تحت فشار قرار گرفتن ایران چالش‌های گوناگونی را ایجاد نموده است. در واقع تحریم یکی از مباحث بحث برانگیز در روابط ایران با آمریکا و شورای امنیت در سال‌های پس از روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی ایران است که روند مذاکرات بین دو کشور را دچار نوسان‌های مختلف نموده است و با وجود روی کار آمدن گرایش‌های حزبی متفاوت در راس دو کشور، این مسئله نتوانسته است راه به جایی ببرد. ولی آنچه بسیار مهم است که به آن پرداخته شود بحث تحریم‌های هسته‌ای است که سبب ایجاد مناقشات بسیاری شده است. عواملی که به تداوم این مناقشات دامن زده‌اند تنش‌های موجود در روابط دو کشور است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایجاد شده است و تا به امروز هم ادامه دارد و نیز نوع نگاه و برداشت دو کشور نسبت به مسئله هسته‌ای شدن یکی دیگر از عوامل چالش ساز در این بحث است. در این راستا، در این پژوهش تلاش می‌شود که برای حل این مسئله به بحث تحریم‌های ایران که به صورت کامل پرداخته شود که کشور بتواند با برون رفت از این مسئله، در مسیر وضعیت مطلوب گام بردارد.

### ۱-۳- پیشینه تحقیق

۱- قاسمی در پژوهش خود به تحلیل تحریم های یکجانبه ایالات متحده علیه ایران می پردازد و نیز به بررسی اقتصاد ایران می پردازد و نشان می دهد که این تحریم ها به چه اندازه بر اقتصاد ایران به عنوان یک اقتصاد تک محصولی تاثیر گذار بوده است و در کنار اقتصاد به تاثیر مخرب تحریم بر سیاست ایران نیز می پردازد ولی این پژوهش به صورت کامل به تحریم های آمریکا و شورای امنیت علیه ایران نپرداخته است و به دلیل اینکه قطعنامه های شورای امنیت علیه ایران نیز یکی از مسائل مشکل ساز برای کشور می باشد پس تبیین آنها می تواند راه گشایی برای چالش های پیش رو باشد ( قاسمی، ۱۳۸۷).

۲- کوزانف در پژوهش دیگری نیز به تحریم های اقتصادی علیه ایران پرداخته است و معتقد است که آمریکا با استفاده از اقدامات تنبیهی و مشوق هایی به منظور محدود کردن توانایی های جامعه بین الملل برای همکاری با ایران اقتصاد این کشور را تحت تاثیر قرار دهد و نیز در مقابل نیز ایران می تواند با ایجاد یک نظام برابری از روابط بین الملل اثر منفی تحریم های ایالات متحده را کاهش دهد. سپس به معرفی راه های می پردازد که فرصت مناسبی را برای ایران به منظور دور زدن تحریم های آمریکایی بازی کند. در این راستا، به معرفی شرکای تجاری ایران و آمریکا بپردازد و نشان می دهد که هر یک از این شرکای تجاری چه نقشی در اقتصاد کشورهای مورد نظر دارند و نیز و نقش آن ها را در تحریم های ایالات متحده علیه ایران مورد تحلیل قرار می دهد و نیز بر تاثیر این تحریم ها بر آنها توجه نموده است ( کوزانف، ۱۳۹۱).

۳- سجاد پور و اجتهادی در پژوهش دیگری به بررسی نگرش امنیتی آمریکا و اروپا پس از جنگ سرد می پردازند و نیز به معرفی تهدیداتی که در این دوران برای آنها چالش ساز بوده اند می پردازند و در نهایت تمرکز خود را بر روی برنامه هسته ای ایران قرار داده و معتقدند که ایران به دنبال دستیابی به قدرت هسته ای است. ولی به صورت تحلیلی به برنامه هسته ای ایران و نیز قطعنامه های شورای امنیت در این مورد توجه نشده است و فقط به معرفی دیدگاه غرب نسبت به برنامه هسته ای ایران اشاره شده است (سجاد پور و اجتهادی، ۱۳۸۹).

۴- ورتز و واعض در پژوهش دیگری به مقایسه تحریم های هسته ای اعمال شده توسط شورای امنیت علیه ایران و کره شمالی می پردازد و ادعان می نماید که تحریم های اعمال شده علیه ایران به مراتب از تحریم های کره شمالی سخت تر بوده است. ولی به به صورت تحلیلی به سیاست های شورای امنیت در برابر که این دو کشور نپرداخته است و تنها به صورت موردی به تشریح قطعنامه های شورای امنیت می پردازد (Wert, vaez, 2012).

۵- سیمبر در پژوهش دیگری به بررسی سیاست خارجی آمریکا در دوران پس از جنگ سرد می پردازد و اشاره می نماید که در سیاست خارجی آمریکا در دوران حاکمیت حزب های گوناگون از خط مشی مشترکی استفاده می شود

مثلا در دوران بوش یا اوباما هیچ تفاوتی در نحوه برخورد آنها با بحث تحریم‌های ایران بوجود نیامده است و تحریم‌ها وارد مرحله جدیدی تری شده‌اند (سیمبر، ۱۳۸۹).

۶- مشیر زاده در پژوهشی به بررسی قدرت هژمون آمریکا در دوره زمانی پس از جنگ سرد در برابر دولت انقلابی ایران می‌پردازد و به این موضوع اشاره دارد که آمریکا در این دوران درصدد از بین برداشتن بازیگرانی است که برای قدرت هژمونیک آن چالش ایجاد می‌نمایند در این راستا، با ایران به عنوان دولتی که قصد مطرح نمودن خود را به عنوان قدرت منطقه‌ای دارد به مبارزه می‌پردازد و تلاش می‌کند از راه بر اندازی، فشار و تحریم و نیز سیاست تغییر رژیم به هدف خود در برابر ایران جامعه عمل بپوشاند. ولی به دلیل توجه نمودن به گزینه‌های زیادی برای مقابله با ایران نتوانسته است که به صورت کامل تکیه بحث خود را بر تحریم قرار دهد (مشیر زاده، ۱۳۹۱).

۷- متین در کتابی به برخورد آمریکا نسبت به ایران در دوره پس از جنگ سرد پرداخته شده است، شواهد و رفتارها حاکی از آن است که سیاست خارجی آمریکا نسبت به ایران به تدریج و با وقوع تحولات جدید در عرصه نظام بین‌الملل از مشی تهاجمی تری برخوردار گردید به گونه‌ای که احتمال مداخله نظامی را، که در دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تسخیر سفارت آمریکا باید انتظار آن می‌رفت، در این مقطع قوت بخشید ولی به صورت کامل، به تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران اشاره نموده است (متین، ۱۳۹۱).

۸- مصلی نژاد در پژوهشی به صورت یکجانبه سیاست خارجی آمریکا را پس از جنگ سرد مورد تحلیل قرار می‌دهد و نیز به تحلیل حادثه ۱۱ سپتامبر در دوران پس از جنگ سرد می‌پردازد و بررسی می‌کند که آمریکا در این دوران دچار تغییرات الگویی و رفتاری می‌گردد و در این راستا، الگوهای جدیدی مانند هژمونیک گرای بین‌المللی، جنگ پیش‌دستانه، سیاست تغییر رژیم، دیپلماسی عمومی تهاجمی و همچنین گسترش نظامی‌گری در حوزه‌های پیرامونی، به ویژه خاورمیانه نام برد را در دستور کار خود قرار می‌دهد (مصلی نژاد، ۱۳۸۶).

۹- قنبرلو در پژوهش دیگری به بررسی تحریم ایالات متحده و شورای امنیت علیه ایران می‌پردازند. و به بررسی نقش آمریکا در تهدیدات اعمال شده علیه ایران و دلایل مخالفت آمریکا با برنامه هسته‌ای ایران اشاره می‌کند و نیز به تشریح قطعنامه‌ی شورای امنیت علیه برنامه هسته‌ای ایران می‌پردازد (قنبرلو، ۱۳۸۷).

۱۰- چیتالکار و مالون نیز در پژوهش دیگری به بررسی نقش شورای امنیت در بحران عراق می‌پردازند، و نیز اینکه بر روی قطعنامه‌های شورای امنیت در زمینه بحران عراق تمرکز می‌کند. و معتقد هستند که شورای امنیت تحریم‌های گوناگونی را علیه عراق اعمال نمود و عراق را به دلیل نقض تعهدات خود در زمینه خلع سلاح و با دادن یک فرصت نهایی به آن در این زمینه ملزم نماید که در صورت عدم رعایت این امر، این کشور را با عواقب جدی روبرو سازد. در این راستا لازم است که عراق اجازه بازرسی تحت نظارت سازمان ملل متحد صادر نماید و کمیسیون

امنیتی به صورت آزادانه در زمینه افشای کامل سلاح‌های کشتار جمعی فعالیت نماید ( Malon, 2012 )  
(chitalkar).

۱۱- لینچ در پژوهش دیگری سیاست‌های ایالات متحده در خاورمیانه را مورد تحلیل قرار می‌دهد که معتقد است که آمریکا در این منطقه در پی به دست آوردن منافع گوناگون تلاش می‌نماید و در دوران پس از جنگ سرد سیاست‌های تهاجمی‌تری نسبت به کشورهای منطقه در پیش می‌گیرد (Lynch, 2011).

۱۲- تدینی و توکلی در پژوهش دیگری به تاریخچه انرژی هسته‌ای ایران از ابتدا تا کنون می‌پردازد و اشاره می‌نماید دلایل ایران برای دستیابی به انرژی هسته‌ای چه مسائلی می‌باشد و تجزیه و تحلیل قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران می‌پردازد. ولی تحریم‌های ایران را مورد توجه قرار نداده است (تدینی، توکلی، ۱۳۸۹).

۱۳- آذری نجف آبادی در پژوهش دیگری به بررسی سیاست خارجی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر می‌پردازد چه تغییراتی در نتیجه حادثه ۱۱ سپتامبر در الگوی رفتاری آمریکا صورت پذیرفت را مدنظر قرار داده‌اند. و اشاره می‌نماید که آمریکا در دوران پس از جنگ سرد که شوروی به عنوان رقیب سابق آن از بین رفته است دچار خلا ناشی از دشمن فرضی روبرو شده است و این حادثه می‌تواند این خلا را پر نماید (آذری نجف آبادی، ۱۳۹۰).

در پژوهش‌هایی که صورت گرفته به صورت مستقیم سیاست خارجی آمریکا در دوران زمانی پس از جنگ سرد در برابر شورای امنیت قرار نداده است و اینکه نشان نمی‌دهد که آمریکا در این دوران شورای امنیت را با خود همراه نماید و نقش آنها را در زمینه تحریم‌های ایران مورد تحلیل قرار دهد. ولی در این پژوهش درصدد است، که با استفاده از رویکرد رئالیسم تهاجمی به بررسی سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ سرد بپردازد و در قالب آن با همراه سازی شورای امنیت با سیاست‌های خود، به مداخله خویش در بحران‌هایی که این کشور برای دستیابی به منافع خود، در آنها شرکت نموده‌است، مشروعیت ببخشد. بحث تحریم‌های ایران که در این دوران به عنوان یکی از چالش‌های کلیدی در روابط آمریکا و ایران حاکم بوده است مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از آن تحت فشار آمریکا قطعنامه‌های شورای امنیت نیز وارد میدان می‌شوند. ولی ایران نه تنها در برابر فشارها تسلیم نشده است بلکه مقاومت چشمگیری را در برابر خواسته‌های آمریکا به عمل آورده‌است.

#### ۱-۴- اهمیت و اهداف پژوهش

هدف از نگارش این پژوهش تبیین نوع نگاه آمریکا به شورای امنیت در دوران پس از جنگ سرد می‌باشد و در این راستا بررسی خواهد شد که آمریکا چگونه توانسته است در بحرانها و مناقشات گوناگون شورای امنیت را با خود همراه سازد تا بتواند به عملکرد خود در عرصه نظام بین الملل مشروعیت ببخشد. و یکی از مناقشاتی که در میان آن روبرو بوده است در زمینه به نتیجه نرسیدن این کشور در ارتباط با ایران است که هر دو کشور نتوانسته‌اند با

وجود چالش‌های گوناگون به نتیجه مثبتی در سطح روابط برسند. بنابراین ایالات متحده در برهه زمانی پس از جنگ سرد با روش‌های متعدد در صدد فشار، تهدید، تطمیع و تحریم‌های همه‌جانبه علیه ایران بوده است تا بتواند این کشور را در راستای اهداف خود همراه سازد. به هر صورت ایران نیز به دلیل متعارض دانستن سیاست‌ها و اهداف کلی خود با آمریکا در برابر تحریم‌ها مقاومت می‌کند.

این پژوهش، می‌تواند اطلاعات مفیدی پیش روی سیاستمداران و یا کسانی که به مسائل ایران و نیز سطح مناسبات آن در عرصه بین‌الملل علاقه دارند و نیز بحث تحریم‌های ایران را به صورت مرتب پی‌گیری می‌کنند و یا کسانی که علاقه مند به انجام پژوهش‌های گوناگون در زمینه مسایل هسته‌ای ایران و نیز در صدد آشنایی با روند تحریم‌های یکجانبه آمریکا و شورای امنیت هستند، باشد.

### ۱-۵- سوالات پژوهش

- ۱- این پژوهش در صدد است که، به این سوال پاسخ دهد که چگونه می‌توان رفتار آمریکا را در زمینه تحریم‌های ایران با نگاه به شورای امنیت ارزیابی نمود.
- ۲- چگونه شورای امنیت توانسته است به ایفای نقش خود که همان صلح و امنیت بین‌المللی بپردازد؟
- ۳- هدف آمریکا از همراهی شورای امنیت با خود در بحران‌های بین‌المللی چه بوده است؟
- ۴- چگونه آمریکا توانسته است که به هدف خود مبنی بر تسلیم نمودن ایران در برابر تحریم‌ها دست یابد؟

### ۱-۶- فرضیه‌های پژوهش

- ۱- در این راستا، فرضیه پژوهش در پاسخ به سوال اصلی چنین است: نگاه آمریکا به شورای امنیت در زمینه تحریم علیه ایران ابزار گونه بوده است و با اعمال نفوذ در تصمیمات شورا در جهت افزایش هرچه بیشتر تحریم‌ها گام بر می‌دارد.
- ۲- شورای امنیت متاثر از اهداف قدرت‌های بزرگ بوده است و در راستای منافع آنها گام بر می‌دارد و قادر نیست به صورت یکجانبه در جهت اهداف اساسی خود گام بردارد.
- ۳- آمریکا با همراه سازی شورای امنیت با سیاست‌های خویش در عرصه بین‌المللی در صدد مشروعیت بخشی به منافع خود می‌باشد.
- ۴- آمریکا با استفاده از اهرم‌های فشار گوناگون از قبیل تهدید و تحریم خواهان تسلیم نمودن ایران در برابر سیاست‌های خود بوده است ولی ایران نیز به عنوان یک کشور انقلابی در برابر این فشارها سر تسلیم فرو نیاورده است.

فرضیه رقیب: نگاه آمریکا به شورای امنیت در راستای گسترش صلح و امنیت بین المللی صورت می‌پذیرد.

## ۱-۷- روش پژوهش

روش بکار گرفته شده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و برای جمع آوری مطالب از روش اسناد کتابخانه‌های و نیز از منابع اینترنتی استفاده شده است.

## ۱-۸- واژگان و اصطلاحات کلیدی

مفاهیم مورد استفاده در این پژوهش عبارت است از سیاست خارجی، تحریم، تهدیدات امنیتی و دیپلماسی هسته‌ای که در ذیل به آنها پرداخته می‌شود.

**الف- سیاست خارجی:** در خصوص سیاست خارجی به تعریف‌های زیادی برمی‌خوریم، بدون این که این تعریف‌ها تفاوت ماهوی و مفهومی داشته باشند و تقریباً همه‌ی آن‌ها به یک مفهوم اشاره دارند. سیاست خارجی به عنوان یک مجموعه اعمال از پیش طرح ریزی شده توسط تصمیم گیران، شامل دستیابی به اهدافی معین در چارچوب محیط بین المللی است. به این ترتیب نمی‌توان نقش نیازهای داخلی را در تعیین اهداف سیاست خارجی نادیده گرفت و سیاست خارجی را از سیاست داخلی جدا دانست (رضایی، ۱۳۸۷: ۱۳۴).

هالستی، سیاست خارجی را تحلیل اقدامات یک دولت در محیط خارجی و شرایط داخلی موثر در تعیین اقدامات مزبور می‌داند. سیاست خارجی در مفهوم کلاسیک آن روشی بود که در برابر دولت‌های دیگر برای تامین منافع ملی و افزایش قدرت اتخاذ می‌شد که این عوامل در چارچوب نظریه واقع‌گرایی تبیین می‌شود. در دهه نخست سده بیست و یکم، اقتدار سیاسی حکومت‌ها در اداره امور داخلی آنها کاهش یافته است و این بدان معنی است که پارادایم واقع‌گرایی و رهیافت دولت محور کارکرد خود را از دست داده است. در چارچوب روندهای تازه، دولت‌های ملی ناچارند هدف‌ها و سیاست‌های خود را با روندهایی تازه پیگیری کنند. (شفیعی، زمانیان، ۱۳۹۰: ۱۱۵)

اما از میان آن‌ها تعریف زیر کاملتر و روشن تر به نظر می‌رسد:

سیاست خارجی عبارت است از: خط مشی و روشی که دولت در برخورد با امور و مسایل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و [تعقیب و تحصیل] منافع خود اتخاذ می‌کند (منصوری، ۱۳۸۷: ۱۱).

**ب- تحریم:** تحریم موضوعی میان رشته‌ای است؛ یعنی نه تنها زوایای اقتصاد سیاسی بین المللی، بلکه حقوقی، جامعه‌شناسی و از همه مهم تر روانشناسی اجتماعی را در بر می‌گیرد (زهرائی، ۱۳۸۷: ۵). تحریم ابزاری در جهت حفظ صلح و امنیت بین المللی است که می‌تواند به منظور نیل به اهداف مختلفی چون بازدارندگی، پیروی، تنبیه و غیره باشد. تحریم‌ها ممکن است اقتصادی، سیاسی، ارتباطی، نظامی و فناوری و اخیراً تحریم‌های هوشمند باشد. به



لحاظ روش اعمال تحریم‌ها ممکن است « یک جانبه» که فقط از سوی کشور قدرتمند باشد، و یا به روش «چند جانبه» صورت گیرد که گروهی از کشورها مبادرت به چنین تحریم‌هایی از طریق سازمان‌ها و اتحادیه می‌نمایند. پرکاربردترین و موثرترین تحریم‌ها، تحریم‌های اقتصادی است که از سوی شورای امنیت سازمان ملل علیه کشورهایی که بر اساس ماده ۴۱ منشور مشمول چنین تحریم‌های می‌گردند، اعمال می‌شود. این تحریم‌ها از دهه ۹۰ به این سو رشد قابل توجهی نموده‌اند به گونه ای که از آن به عنوان « دهه تحریم» یاد می‌شود ( مومنی راد، موسوی فر، ۱۳۹۱: ۱۴۳).

تحریم اقتصادی، همراه با دیپلماسی، اقدامات نظامی و غیره، به عنوان ابزار مناسبی از سوی دولت‌ها جهت تحت نفوذ قرار دادن سایر کشورها، در راستای نیل به مقاصدی که با اهداف آنها در تضاد است، به حساب آمده و به کار گرفته شده است ( فرهی، ۱۳۷۶: ۴۸).

پاترسون و منتقدان دیگر تحریم، تحریم را به عنوان تکنیکی برای گذر از « آستانه صلح» به بهترین نحو در دیپلماسی بازدارندگی و در حل و فصل اختلافات می‌دانند. نکته اساسی در تبیین چرایی وضع تحریم‌ها توجه به این اصل مهم است که اگر راه حل نظامی کنار گذاشته شود راهی جز تحریم باقی نمی‌ماند ( زهرانی، ۱۳۸۹: ۵۱).

**ج- تهدیدات امنیتی:** این مفهوم یکی از مهم‌ترین مفاهیم در حوزه مطالعات امنیتی است تا جایی که بسیاری از نظریه پردازان این حوزه، امنیت را با تهدید معنا کرده‌اند. اگر تهدید در فضای امنیتی تعریف شود، بیش از هر چیزی با تعریف بازیگر از امنیت مرتبط می‌گردد. در این چشم انداز شاید تلقی عمومی و گسترده ریچارد المان<sup>۱</sup> معنادار باشد؛ آنجا که از « تهدید» به مثابه یک «پدیده امنیتی» چنین تعبیر می‌کند:

«تهدیدات امنیت ملی، اقدام یا سلسله رویدادهایی است که به شکل موثر و در دوره زمانی نسبتاً کوتاهی خطر افت کیفیت زندگی برای ساکنان یک کشور را پیش آورد و نیز با خطر جدی کاهش طیف خط مشی‌هایی که حکومت یک کشور یا واحدهای غیر حکومتی خصوصی موجود در یک کشور (اشخاص، گروه‌ها و شرکت‌ها) می‌توانند میان آن‌ها دست به انتخاب زنند، همراه باشد» (سجادپور، اجتهادی، ۱۳۸۹: ۳۱).

این تعریف، تقلیل امنیت به تهدید تلقی می‌شود که امری ناصحیح است. لذا، برای نیل به دیدگاهی جامع از میان تعاریف متعددی از تهدید ارائه شده است، تعریف زیر به گونه ای کامل‌تر می‌تواند مفهوم تهدید را در برگیرد که در این پژوهش، مبنای بررسی رویکردهای امنیتی قرار گرفته است: « هر گونه مخاطره نسبت به منافع یک بازیگر را تهدید می‌گویند.

**د- دیپلماسی هسته‌ای:** اگر روابط بین الملل را مجموعه‌ای از تعاملات، ارتباطات و تماس‌های برآمده از سیاست خارجی دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی در صحنه جهانی بدانیم، سیاست خارجی در دو راه جدا ولی مکمل هم

<sup>1</sup> Richard element

پیش می‌رود: گفت و گو، همکاری، تفاهم و صلح که به آن دیپلماسی می‌گویند و کشمکش، برخورد، بحران و جنگ که در حوزه استراتژی جای می‌گیرد. بنابراین دیپلماسی و استراتژی به منزله دانش، هنر، فن و ابزار اداره مسالمت-آمیز و غیر مسالمت‌آمیز روابط میان دولت‌ها و بازیگران جهانی است. هر چند این دو، یکسره متمایز و ناهمخوانند، ولی بسته به اوضاع و احوال گاهی جانشین هم می‌شوند، یا به هم می‌آمیزند و شالوده رفتارهای برون مرزی دولت‌ها و مناسبات بین‌المللی بر پایه آنها شکل می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۷).

دیپلماسی بسته به آنکه از چه مایه از باریک بینی، دور اندیشی و هنرمندی برخوردار باشد، می‌تواند راه را بر بحرانی همچون پرونده هسته‌ای ایران بگشاید یا بر دشواری آن بیفزاید. دیگرآنکه دیپلماسی که بیشتر «برای وصل کردن آمده» است تا از «برای فصل کردن» باید هموار کننده راه تصمیم‌گیری‌های اساسی و هر چه بیشتر از التهاب آفرینی دور باشد (حمیدی، ۱۳۸۵: ۱۲۸).

مذاکرات هسته‌ای، از جمله کانون‌ها و مراکز ثقل دیپلماسی دولت در مدیریت روابط خارجی است، که نسبت مفروضی با منافع ملی است؛ کانونی که مصاف ایران و غرب در قالب مذاکره را رقم زده و تحولی اساسی در روابط بین‌المللی پدید آورده؛ تحولی که تعریفی جدید از نظم نوین منطقه‌ای و جهانی را برانگیخته است. یکی از برجسته‌ترین نکاتی که باید در آینده دیپلماسی ایران بدان توجه شود، آن است که آمریکا چگونه توانسته است محافل سیاسی و رسانه‌ها را کمابیش، به دیدگاه خود نزدیکتر سازد. هر چند در میان دولت‌ها می‌توان از محوری بودن منافع، نه حقایق و دوستی‌ها، و تعیین‌کنندگی آن سخن گفت، ولی روند پیموده شده در اقلان و جلب افکار عمومی اروپا در راستای هدف‌های آمریکا می‌تواند روشن‌گر باشد. برای نمونه «لوموند دیپلماتیک» در اکتبر ۲۰۰۳، در آغاز نوشتاری با سر نمون: «ایران: جست و جوی هسته‌ای» آورده است: «کارگزاری بین‌المللی انرژی هسته‌ای، تا پایان این ماه به تهران فرصت داده است تا از وضع واقعی برنامه هسته‌ای خود پرده بردارد. اما آیا ایران به راستی یک تهدید است؟ (اگر چنین است) نسبت به که؟ (حمیدی، ۱۳۸۵: ۱۳۱).

## ۹-۱- محدودیت‌های تحقیق

این پژوهش به علت کمبود زمان کافی برای گسترده نمودن دامنه اطلاعات در این زمینه با مشکل روبرو بوده است. به این دلیل که موضوع این پژوهش یکی از مسائل بسیار مهم کشور به حساب می‌آید اگر با مدت زمان بیشتری همراه بود می‌توانست به صورتی گسترده‌تر ارائه شود.

## ۱-۱۰- سازماندهی تحقیق

این پژوهش از پنج فصل تشکیل شده است که فصل اول به کلیات تحقیق می‌پردازد که در واقع به معرفی مقدماتی تحقیق و شفاف نمودن موضوعاتی که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود اشاره می‌شود. در فصل دوم پژوهش، چارچوب نظری در قالب رئالیسم تهاجمی که سنخیت مناسبی با سیاست خارجی آمریکا در دوران پس از جنگ سرد دارد مورد بررسی قرار می‌گیرد و به تاریخچه روابط آمریکا و شورای امنیت اشاره می‌شود. در فصل سوم به بررسی بحران‌هایی که آمریکا و شورای امنیت در دوران پس از جنگ سرد در آن نقش ایفا نموده‌اند پرداخته می‌شود. در فصل چهارم به تحلیل تحریم‌هایی که آمریکا و شورای امنیت علیه ایران برای تغییر جهت در روند سیاست‌های این کشور اعمال نموده‌اند می‌پردازیم.

فصل دوم

چارچوب نظری